

## نقش تعدیلی معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود

غلامرضا عباسی، کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

Hesabres53@yahoo.com

قدرت قادری، دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب - Ghaderi.gh@gmail.com

حامد رضازاده، دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب -

hamed\_rezazadeh@mail.com

**چکیده** - یکی از نیازهای اساسی در فرآیند تصمیم‌گیری، دسترسی به اطلاعات است. بدون دسترسی به اطلاعات تصمیمات به نتایج بهینه منجر نمی‌شود. کسانی که در حوزه مالی فعالیت می‌کنند نیازمند اطلاعات مالی هستند. این افراد ممکن است در مورد اطلاعات مالی گزارش شده قضاوت کنند یا بر مبنای آن تصمیم‌گیری نمایند. اطلاعات مالی توسط گروه‌های مختلف استفاده‌کننده و برای مقاصد گوناگون به کار می‌روند. هدف اصلی پژوهش تجربی حاضر ارزیابی و تعیین تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود بوده و درصدد آن بوده است تا براساس مطالعات قبلی مانیر و همکاران (۲۰۱۳)، رابطه مالکیت خانوادگی با کیفیت سود را با نقش تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته ارزیابی نماید. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. داده‌های مورد مطالعه این پژوهش سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴ تحلیل گردیده‌اند. روش پژوهش از نوع همبستگی و علی‌پس-رویدادی و روش آزمون فرضیه‌ها، آزمون همبستگی و رگرسیون است. پس از تحلیل داده‌ها آشکار گردید که مالکیت خانوادگی با کیفیت سود رابطه معنی‌داری ندارد. از این رو تأثیر معنی‌دار معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود مشاهده گردید.

**واژگان کلیدی:** معاملات با اشخاص وابسته، ساختار مالکیت، مالکیت خانوادگی، کیفیت سود.

### مقدمه

گزارشگری مالی فراتر از صورت‌های مالی است و سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی مانند گزارش هیات مدیره، گزارش‌های ادواری و اطلاع‌رسانی اینترنتی را شامل می‌شود. گزارشگری مالی فقط یک محصول نهایی

نیست، بلکه فرآیندی متشکل از چند جزء است که در شکل یک ارائه شده است عوامل زیادی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار هستند همچنین گزارشگری مالی نیز بر عوامل مختلفی تأثیرگذار است. یکی از اهداف گزارشگری مالی تسهیل تخصیص بهینه سرمایه در اقتصاد است. طی تحقیقات مختلف رابطه بین کیفیت سود و متغیرهای مالی و غیرمالی شرکت‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. رویکرد اصلی در این پژوهش بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود شرکت‌های نمونه می‌باشد. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود چه تأثیری دارد؟

## مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

### پیشینه نظری

ادبیات پژوهش در چهار بخش معاملات با اشخاص وابسته، مالکیت خانوادگی و کیفیت سود و برگزیده پیشینه تحقیقات گذشته مورد بررسی قرار گرفته است:

مهم‌ترین مسأله در تحقیقات مربوط به شرکت‌های خانوادگی، تعریف این گونه شرکت‌ها است. شرکت‌های خانوادگی را از جنبه‌های گوناگون، می‌توان تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیأت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت، از عواملی است که شرکت‌های خانوادگی به وسیله آن، تعریف می‌شود. به‌طور مثال (اهراردت و نواک<sup>۱</sup>)، شرکت‌های خانوادگی را شرکت‌هایی تعریف نموده‌اند که یک یا چند نفر از یک یا دو خانواده، صاحب حداقل پنجاه درصد از حقوق صاحبان سهام باشند. اندرسون و ریب<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۳ میزان تملک همجده درصد از سهام عادی توسط خانواده را شرط تعریف شرکت‌های خانوادگی عنوان نموده‌اند. ویلاونگا و آمیت<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، شرکت خانوادگی را این‌طور تعریف نموده‌اند: «شرکتی که مؤسس یا یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیأت مدیره، مدیر اجرایی یا مالک حداقل ۵ درصد از سهام شرکت، به‌صورت فردی یا گروهی باشند». در همین سال ونگ<sup>۴</sup> در پژوهش خود شرکتی را خانوادگی تعریف نموده که میزان زیادی از

1- Ayrardt and Novak

2- Anderson and Ribe

3- Villeonga and Amit

4- Wang

سهام آنان، در دست اعضای خانواده باشد و این افراد به‌طور فعالی، در مدیریت و هیأت مدیره شرکت، مشارکت داشته باشند.

در سال ۲۰۱۰ مرکز تحلیل‌گران و انتشاردهندگان داده‌های بورس آلمان شاخص «خانوادگی دکس پلاس<sup>۱</sup>» را برای تعریف شرکت‌های خانوادگی ارائه نمود که طبق آن شرکتی به‌عنوان خانوادگی معرفی می‌شود که یکی از دو شرط زیر را دارا باشد:

الف) خانواده موسس حداقل ۲۵ درصد سهام عادی را در اختیار داشته باشد؛ و یا  
ب) یکی از اعضای خانواده در هیأت مدیره عضویت داشته و حداقل ۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد.

در ایران، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری در بند ۸ استاندارد حسابداری شماره ۲۰ عنوان می‌کند، در صورتی که سهامداران حداقل ۲۰ درصد از قدرت رأی در واحد سرمایه‌پذیر را داشته باشند، در این صورت بر شرکت نفوذ قابل ملاحظه دارند.

همچنین طبق ماده ۱۰۷ قانون تجارت ایران کلیه شرکت‌های سهامی عام ملزم به تشکیل هیأت مدیره‌ای از صاحبان سهام می‌باشند که می‌بایست تعداد این هیأت حداقل ۵ نفر باشند، لذا منطقی می‌توان استنباط نمود، چنانچه سهامداری مالک ۲۰ درصد سهام شرکت باشد به‌عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره مطرح و از این طریق می‌تواند بر عملیات شرکت اعمال کنترل نماید.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، و پس از بررسی شرایط شرکت‌های ایرانی و استفاده از نظرات خبرگان، در این پژوهش از دو شرط زیر برای تعریف شرکت‌های خانوادگی در ایران استفاده شده است:

الف) سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد؛ و یا  
ب) یکی از اعضای هیأت مدیره، خود، به‌تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیأت مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد. شرکت‌های غیرخانوادگی نیز شرکت‌هایی هستند که هیچ‌یک از شرایط ذکر شده را نداشته باشند.

#### 1- Dax Plus Family Index

این شاخص در سال ۲۰۱۰ توسط مرکز تحلیل‌گران و انتشاردهندگان داده‌های بورس آلمان به‌منظور تعریف شرکت‌های خانوادگی ارائه گردیده است و مورد تایید دانشگاه مونیخ و سازمان بورس و اوراق بهادار آلمان نیز می‌باشد.

اهمیت شرکت‌های خانوادگی در دنیای اقتصاد به حدی است که چیزی حدود ۳۵ درصد (۱۷۵ شرکت) از ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی از نوع شرکت‌های خانوادگی می‌باشند (امیدوار، ۱۳۸۹). به همین منظور در بسیاری کشورها، شاخص‌های متعددی برای تعریف این‌گونه شرکت‌ها ارائه گردیده است و پژوهشگران در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت این شرکت‌ها پژوهش‌های مختلفی را در مورد این شرکت‌ها انجام داده‌اند. در ایران، متأسفانه به دلیل شفافیت کم، اطلاعات افشا شده در مورد ماهیت و مالکیت شرکت‌ها و به تبع عدم تشخیص و تفکیک شرکت‌های خانوادگی (شرکت‌هایی که یک یا چند خانواده به‌خصوص در اجرای سیاست‌های کلی و راهبردی شرکت، نقش کلیدی ایفا می‌کنند) تاکنون تحقیقات زیادی در مورد این‌گونه شرکت‌ها صورت نگرفته است. از طرفی به دلیل اهمیت سود به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و وجود مقوله مدیریت سود به‌عنوان ابزاری برای دستکاری سود توسط مدیران، این پژوهش کوشش می‌کند تا ابتدا شرکت‌های خانوادگی را تعریف و شناسایی نموده و سپس رفتار مدیریت سود را در این شرکت‌ها و شرکت‌های غیرخانوادگی بررسی نماید.

در شرکت‌های خانوادگی عموماً بخش زیادی از سهام در اختیار یک یا چند سهامدار عمده حقیقی از اعضای یک خانواده است و اعضای خانواده در پست‌های مدیریتی و عملیاتی مشغول کار هستند. طبق پژوهش‌های انجام شده، مشخص شده اگر میزان سهم مدیران از حدی بیشتر باشد، می‌تواند این انگیزه را در آن‌ها ایجاد کند تا وضعیت مالی و عملکرد مطلوب‌تری را ارائه دهند، همچنین سهامداران عمده نیز می‌توانند از طریق کنترل رفتار مدیران بر روی تصمیمات و فعالیت‌های شرکت تأثیرگذار باشند (محمدی، ۱۳۸۸).

در شرکت‌های خانوادگی ممکن است به دلیل ساختار مالکیت خاص این شرکت‌ها، حفظ منافع خانواده بر حفظ منافع سهامداران جزء ارجحیت یابد، در نتیجه به دلیل اینکه سهامداران جزء کمتر به اطلاعات مهم و اساسی شرکت دسترسی دارند، همواره این خطر احساس می‌شود که منافع این گروه در معرض خطر به خصوص در بلندمدت قرار گیرد (عبدالمحمد، ۲۰۱۰).

ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می‌توانند در این ساختار ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده یا فامیل با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن‌ها در هیأت مدیره به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می‌دهد

(اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در شرکت‌های خانوادگی به علت وجود سهامدار عمده حقیقی و یا وجود اعضای خانواده در هیأت مدیره، ممکن است سایر سهامداران این گمان را داشته باشند که منافع خانواده، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان تصمیم‌گیری برای شرکت، بر منافع سایر سهامداران در اولویت قرار گیرد. طبق تئوری حسابداری هندریکسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۳)، هدف اصلی گزارشگری سود، فراهم آوردن اطلاعات سودمند برای اشخاصی است که بیشترین علاقه را به گزارشات مالی دارند. با فرض این که مدیریت، به منافع شخصی خویش می‌اندیشد، مدیران ممکن است سود حسابداری را دستکاری، یا به زبانی دیگر سود را مدیریت نمایند، تا بیشترین منافع را بدست آورند. نقش مهم «سود» به‌عنوان شاخصی مناسب در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاران، و این امر که مدیران این توانایی را دارند که با دستکاری سود اطلاعات گمراه‌کننده‌ای، در اختیار استفاده‌کنندگان از اطلاعات قرار دهند، و وجود مقوله مدیریت سود به‌عنوان ابزاری برای دستکاری سود توسط مدیران نیاز به توجه بیشتر به ساختار مالکیت شرکت‌ها و تحلیل بیشتر اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها را نشان می‌دهد.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۱۱ در رابطه با افشای اطلاعات اشخاص وابسته می‌باشد. هدف این استاندارد، تعیین الزامات افشای وجود روابط واحد گزارشگر با اشخاص وابسته در صورت وجود کنترل و افشای اطلاعات درباره معاملات بین واحد گزارشگر و اشخاص وابسته با شرایط خاص است. موضوعات اصلی در افشای اطلاعات در مورد اشخاص وابسته عبارت از تشخیص اشخاص وابسته و تعیین افشای لازم درباره معاملات واحد گزارشگر با آن اشخاص می‌باشد. این استاندارد باید در موارد زیر به کار گرفته شود:

الف. تشخیص روابط وابستگی و معاملات با اشخاص وابسته؛

ب. تشخیص مانده حساب‌های فی‌مابین واحد گزارشگر و اشخاص وابسته آن؛

پ. تشخیص شرایطی که افشای موارد مندرج در بندهای «الف» و «ب» الزامی می‌شود؛ و

ت. تعیین افشای لازم درباره موارد مندرج در بندهای «الف» و «ب».

شخص وابسته یک شخص در صورتی وابسته به واحد گزارشگر است که:

الف. به‌طور مستقیم، یا غیرمستقیم از طریق یک یا چند واسطه:

1- Anderson

2- Hendrixson

۱. واحد گزارشگر را کنترل کند، یا توسط واحد گزارشگر کنترل شود، یا با آن تحت کنترل یک واحد دیگر قرار داشته باشد (شامل واحدهای کنترل‌کننده، واحدهای تحت کنترل و واحدهای تحت کنترل مشترک)؛

۲. بر واحد گزارشگر نفوذ قابل ملاحظه داشته باشد؛ یا

۳. بر واحد گزارشگر کنترل مشترک داشته باشد.

ب. تحت نفوذ قابل ملاحظه واحد گزارشگر باشد؛ (طبق استاندارد مربوط به سرمایه‌گذاری در واحدهای وابسته)

پ. مشارکت خاص واحد گزارشگر؛

ت. از مدیران اصلی واحد گزارشگر یا واحد کنترل‌کننده آن باشد،

ث. خویشاوند نزدیک اشخاص اشاره شده در بندهای "الف" یا "ت" باشد؛

ج. توسط اشخاص اشاره شده در بندهای "ت" یا "ث" کنترل می‌شود، تحت کنترل مشترک یا نفوذ قابل ملاحظه آنان است و یا این که سهم قابل ملاحظه‌ای از حق رأی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار ایشان باشد؛ و

چ. طرح بازنشستگی خاص کارکنان واحد گزارشگر یا طرح بازنشستگی خاص کارکنان اشخاص وابسته به آن و همچنین واحدهای گزارشگر تحت کنترل این گونه طرح‌ها باشد.

معامله با شخص وابسته به انتقال منابع یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن گفته می‌شود.

نفوذ قابل ملاحظه توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد گزارشگر، ولی نه در حد کنترل سیاست‌های مزبور تعریف می‌شود. به‌طور مثال، موارد زیر به تنهایی یا در مجموع ممکن است بیانگر وجود نفوذ قابل ملاحظه باشد:

الف. عضویت در ارکان اداره‌کننده؛

ب. مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری؛

پ. انجام معاملات عمده بین واحدهای درون یک گروه گزارشگر؛

ت. تبادل کارکنان رده مدیریت؛

ث. وابستگی به اطلاعات فنی؛

ج. حق مالکیت؛

چ. قانون؛ یا

ح. قرارداد اعطای حق الامتياز.

وجود زمینه‌های مناسب برای «دستکاری سود» ناشی از تضاد منافع و همچنین به علت پاره‌ای از محدودیت‌های ذاتی حسابداری از جمله: نارسایی‌های موجود در فرایند برآوردها و پیش‌بینی‌های آتی، و امکان استفاده از روش‌های متعدد حسابداری، باعث شده است که سود واقعی یک واحد اقتصادی از سود گزارش شده در صورت‌های مالی متفاوت باشد. محققان و دست‌اندرکاران حرفه حسابداری، با توجه به اهمیت سود به‌عنوان یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد و تعیین‌کننده ارزش شرکت، ناگزیر به ارزیابی سود گزارش شده توسط واحدهای اقتصادی می‌باشند. برای ارزیابی این سود از مفهومی به‌نام کیفیت سود استفاده می‌شود (هندریکسون، ۱۹۹۳).

در مقالات مختلف در تعریف مفهوم کیفیت سود به دو ویژگی برای تعیین کیفیت سود اشاره شده است: یکی از آن‌ها سودمندی تصمیم‌گیری و دیگری ارتباط بین این دو مفهوم و سود اقتصادی مدنظر آقای هیکس<sup>۱</sup> می‌باشد. به عبارت دیگر کیفیت سود عبارت است از بیان صادقانه سود گزارش شده، که مدنظر آقای هیکس. منظور از بیان صادقانه تطابق بین توصیف انجام شده و آن چیزی که ادعای آن را دارد، می‌باشد. یعنی کیفیت سود بالا نشان‌دهنده مفید بودن اطلاعات سود برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و همچنین مطابقت بیشتر آن با سود اقتصادی هیکس می‌باشد. اما به دلیل آنکه افراد از اطلاعات در تصمیمات متفاوتی استفاده می‌کنند، امکان ارائه یک تعریف جامع از سود وجود ندارد. برخی تحلیل‌گران مالی، کیفیت سود را به‌عنوان سود عادی و مستمر، تکرارپذیر و ایجادکننده جریان نقدی حاصل از عملیات می‌دانند، آن‌ها معتقدند که کیفیت سود رقمی بین سود خالص گزارش شده و جریان نقدی حاصل از عملیات منهای ارقام غیر تکراری می‌باشد (ظریف‌فرد، ۱۳۷۸).

تاکنون متخصصان مالی نتوانسته‌اند به یک محاسبه مستقل از سود که از نظر آن‌ها کیفیت لازم را دارا باشد دست یابند. در این حالت، متخصصان مالی با انجام تعدیلات مناسب، می‌توانند به یک دامنه که به شکل صحیح‌تر نشانگر کیفیت سود نسبت به سود خالص گزارش شده باشد، دست یابند. بنابراین مفهوم کیفیت سود، یک امر تعریف شده ثابت نیست که بتوان به آن دست یافت. بلکه مفهومی است نسبی که به ارتباط آن با

1- Hicks

دیدگاه‌ها و نگرش‌ها بستگی دارد. اسلون<sup>۱</sup> اثبات کرد که شرکت‌های با سود گزارش شده بالاتر از جریان وجوه نقد عملیاتی (حجم بالای ارقام تعهدی)، در سال‌های آتی یک کاهش در سود عملیاتی را تجربه خواهند کرد. بنابراین حجم ارقام تعهدی یک شاخص خوب برای کیفیت سود می‌باشد. میچل و میک‌هیل<sup>۲</sup> معتقد است، سودی که بهتر بتواند جریان‌ات نقدی عملیاتی آتی موسسه را پیش‌بینی کند، با کیفیت‌تر است. در متون حسابداری و مالی برخی از ویژگی‌های واحد تجاری شناسایی شده‌اند که وجود آن‌ها باعث افزایش کیفیت سود می‌گردد.

اگر شرکتی ویژگی‌های زیر را دارا باشد، کیفیت سود آن بالا خواهد بود:

- ۱- روش‌های با ثبات محافظه کارانه حسابداری؛
- ۲- جریان درآمد قبل از مالیات ناشی از فعالیت‌های عملیاتی و تکرار پذیر؛
- ۳- کسب سطحی از سود خالص و نرخ رشد، مستقل از ملاحظات مالیاتی (مثل کاهش نرخ مالیات که منجر به معافیت مالیاتی می‌شود)؛
- ۴- داشتن سطح مناسبی از بدهی؛ و
- ۵- سود شرکت ناشی از تورم نباشد.

همان‌طور که ملاحظه گردید، تعریف یکسانی از واژه کیفیت سود وجود ندارد. بسیاری از تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه یافته مویده این مطلب است که سود خالص گزارش شده توسط واحدهای اقتصادی دارای محتوای اطلاعاتی است. ولی در رابطه با تعریف یکسانی از سود، توفیق چندانی حاصل نگردیده است. لذا، سوال اساسی این است که چگونه می‌توان ایرادهای وارده بر سود را مرتفع ساخت و به عبارت دیگر سودی را گزارش نمود که امکان ارزیابی را فراهم نموده و توان سودآوری بنگاه اقتصادی را نشان دهد. چنین سودی که اصطلاحاً سود کیفی نامیده می‌شود در تصمیمات اقتصادی نقش بسیار مهمی دارد و استفاده از آن در شرایط کنونی ایران حائز اهمیت فراوان است (ظریف فرد، ۱۳۷۸).

### پیشینه تجربی

مانیر و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان مالکیت خانوادگی، معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت سود

1- Sloane

2- Michael and Mikhail

3- Manir et al



به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌هایی که دارای مالکیت خانوادگی هستند، کیفیت سود پایینی دارند و همچنین، شرکت‌هایی که دارای معاملات با اشخاص وابسته هستند، کیفیت سود پایینی دارند.

عبدالحمیدی و وال<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، به بررسی اولویت‌های مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی شرکت‌های نوژی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی هموارسازی سود بیشتری انجام می‌دهند، همچنین شرکت‌های خانوادگی با اهرم مالی بالا از تمایل بیشتری برای انجام مدیریت سود نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی با اهرم مالی بالا برخوردارند.

مُسکاربلو<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته را در بورس اوراق بهادار ایتالیا بررسی نمود. هدف از این پژوهش شناسایی دلایل پشت پرده انجام معاملات با اشخاص وابسته و کارا بودن یا رفتار فرصت‌طلبانه بودن این معاملات بود. با توجه به ساختار تمرکز مالکیت در شرکت‌های ایتالیایی، استفاده احتمالی از معاملات با اشخاص وابسته توسط سهامداران عمده برای تصاحب منابع شرکت به ضرر سهامداران خرد ارزیابی شد. شواهد نشان از رفتار فرصت‌طلبانه در این معاملات دارد و رابطه معنادار بین مبلغ این معاملات با متغیرهایی که انگیزه‌ها و هزینه‌های تصاحب اموال را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشاهده گردید.

چن و سو<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، به بررسی ارتباط میان معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت و نیز، بررسی اینکه آیا راهبردی شرکتی اثری مثبت بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت دارد یا خیر، پرداختند و برای اندازه‌گیری تأثیر راهبردی شرکتی، از معیار استقلال هیات مدیره استفاده و فرض نمودند تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد شرکت، متأثر از مکانیزم‌های راهبردی شرکتی است. نتایج این پژوهش نشان داد که مکانیزم‌های راهبردی شرکتی، این معاملات را از معاملات فرصت‌طلبانه به معاملات کارا تغییر می‌دهد و استقلال هیات‌مدیره، در این معاملات نقش تعدیل‌کننده را بازی می‌کند. لذا، نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های فوق مغایرت دارد.

رضائی و شیروئی (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر ساختار مالکیت و دادوستد با اشخاص وابسته بر کیفیت سود، به این نتیجه دست یافتند که دادوستد کالا با اشخاص وابسته بر کیفیت سود اثر دارد.

1- Abdul Hamdi and Wall

2- Muskarabelo

3- Chen and Su

فخاری و تقوی (۱۳۸۸)، اثر کیفیت گزارشگری مالی را در قالب کیفیت اقلام تعهدی بر میزان نگهداشت وجه نقد مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد، کیفیت گزارشگری مالی با نقد و معادل‌های نقدی رابطه منفی و معناداری دارد. نتایج همچنین بیانگر این است که متغیرهای رشد، جریان‌های نقدی و دارایی‌های نقدی اثر مثبتی بر مانده نقد دارد و متغیرهای اندازه و سررسید بدهی با مانده نقد رابطه‌ای منفی دارد.

### فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

فرضیه اصلی اول: مالکیت خانوادگی با کیفیت سود رابطه دارد.

فرضیه‌های فرعی منبعث از فرضیه اصلی اول:

مالکیت خانوادگی با معیار خطای برآورد اقلام تعهدی رابطه دارد.

مالکیت خانوادگی با معیار نقدشوندگی رابطه دارد.

فرضیه اصلی دوم: معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود تأثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی منبعث از فرضیه اصلی دوم:

معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار خطای برآورد اقلام تعهدی تأثیر دارد.

معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار نقدشوندگی تأثیر دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی هست. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. داده‌های استفاده شده در این پژوهش، به روش آرشویی از بانک اطلاعاتی ره‌آوردنویین و نسخه الکترونیکی صورت‌های مالی گردآوری شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزار Eviews9 استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ (۵۰۴ سال - شرکت) است. پایان سال مالی این شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند باشد؛ در طول دوره مطالعه، تغییر سال مالی نداشته باشند؛ جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و لیزینگ‌ها)

نباشند و اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرها در دسترس باشد. با اعمال محدودیت‌های بیان شده، ۶۳ شرکت به‌عنوان نمونه آماری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شد.

### مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

(مدل ۱)

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 FAM_{it} + \beta_2 FB_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_i + \beta_6 SIZE_i + e_{it}$$

(مدل ۲)

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 FAM_{it} + \beta_2 RPT_{it} + \beta_3 FAM_i \times RPT_i + \beta_4 FB_{it} + \beta_5 CFO_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + e_{it}$$

متغیر وابسته این پژوهش شامل دو معیار کیفیت سود با پیروی از تحقیقات هرلی و همکاران (۲۰۱۵) و مانیر و همکاران (۲۰۱۳)، به‌صورت زیر می‌باشد:

معیار خطای برآورد اقلام تعهدی (تغییر در کیفیت اقلام تعهدی): تغییر کیفیت اقلام تعهدی سود  $(\Delta AQ_i)$ : میزان تغییر کیفیت اقلام تعهدی سود (تغییر در کیفیت اقلام تعهدی که از طریق اختلاف انحراف معیار پس‌مانده‌های رگرسیون مدل اقلام تعهدی دیچو و دجو محاسبه می‌شود). در این پژوهش برای آزمون فرضیه تحقیق، ابتدا از مدل دیچو و دجو<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) برای بررسی کیفیت اقلام تعهدی که مبتنی بر جریان‌های نقدی گذشته، حال و آینده می‌باشد استفاده خواهد شد. در این مدل رگرسیونی ارتباط بین تعهدات سرمایه در گردش و جریان وجوه نقد عملیاتی سال گذشته، حال و آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای برآورد این مدل با توجه به نوع طرح پژوهش و دوره زمانی مورد بررسی و با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد می‌شود:

مدل (۳):

$$ACC = \alpha + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \varepsilon$$

که در آن (Acc)؛ اقلام تعهدی سرمایه در گردش سال جاری است که به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$DCA - DCL - Dcash + DSTDEBT$$

CA: تغییر در دارایی‌های جاری؛

CL: تغییر در بدهی‌های جاری

1- Dichu and Ducho

Cash: تغییر در وجه نقد

STDEBT: تغییر در وام‌های کوتاه‌مدت در درون بدهی‌های جاری؛

CFO (t-1): جریان وجه نقد عملیاتی برای سال گذشته؛

CFO (t): جریان وجه نقد عملیاتی برای سال جاری؛ و

CFO (t+1): جریان وجه نقد عملیاتی برای سال آتی می‌باشد.

سوال: این  $t+1$  و... اندیس است؟

ایده اصلی در پژوهش دیچو و دجو (۲۰۰۲)، تعیین میزان این خطای اندازه‌گیری در تطبیق اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی است. انحراف معیار این خطای اندازه‌گیری را می‌توان انحراف معیار باقی‌مانده‌ها از معادله (۳) کیفیت اقلام تعهدی بیانگر آن است که اقلام تعهدی، بیشتر نوسان موجود در جریان‌های نقدی جاری، گذشته و آینده را ضبط می‌کند و در نتیجه پسماند مدل، مبنای شاخص کیفیت سود را تشکیل می‌دهد و ارزیابی معکوس از کیفیت اقلام تعهدی خواهد بود.

معیار کیفیت سود (LEQ): نزدیک بودن سود عملیاتی (OE) به جریان نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی (CFO) براساس نسبت (CFO/OE) محاسبه می‌شود. هر چه قدر این نسبت بزرگتر باشد؛ یعنی سود به وجه نقد نزدیک‌تر و کیفیت سود بیشتر است و بالعکس (حقیقت و پناهی، ۱۳۹۰).  
مدل (۴):

$$LEQ = CFO/OE$$

متغیر مستقل این پژوهش خانوادگی یا غیرخانوادگی بودن مالکیت شرکت (FAM) می‌باشد. مهم‌ترین مسأله در تحقیقات مربوط به شرکت‌های خانوادگی، تعریف این گونه شرکت‌ها است. شرکت‌های خانوادگی را از جنبه‌های گوناگون، می‌توان تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیأت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت، از عواملی است که شرکت‌های خانوادگی به وسیله آن، تعریف می‌شود. به‌طور مثال اهراردت و نواک (۲۰۰۰) شرکت‌های خانوادگی را شرکت‌هایی تعریف نموده‌اند که یک یا چند نفر از یک یا دو خانواده، صاحب حداقل پنجاه درصد از حقوق صاحبان سهام باشند. اندرسون وریب در سال ۲۰۰۳ میزان تملک هجده درصد از سهام عادی توسط خانواده را شرط تعریف شرکت‌های خانوادگی عنوان نموده‌اند.

با پیروی از پژوهش خواجهی و اسحاقی (۱۳۹۳)، متغیر مستقل این پژوهش (مالکیت خانوادگی) یک متغیر کیفی است. در صورتی که شرکت‌ها حداقل حائز یکی از دو شرط (الف و ب) را داشته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.

متغیر تعدیلی این پژوهش سطح معاملات با اشخاص وابسته (RPT) می‌باشد. براساس استاندارد ۱۲ ایران (۱۳۸۶)، معاملات با شخص وابسته این‌گونه تعریف می‌شود: انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته، صرف‌نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن.

در این پژوهش برای سنجش متغیر تعدیلی، مطابق با شاخص به کار گرفته شده کوآن و همکاران (۲۰۱۰)، از مجموع مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشاء شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تقسیم بر کل فروش شرکت، استفاده شده است. مطابق پژوهش مانیر و همکاران (۲۰۱۳)؛ اگر نسبت مجموع مبالغ معاملات با اشخاص وابسته بر کل فروش ناخالص دوره کمتر یا برابر ۱ درصد باشد؛ سطح معاملات با اشخاص وابسته در سطح کمتر؛ در غیر این صورت معاملات با اشخاص وابسته در سطح بالا و بااهمیت خواهد بود.

در مدل رگرسیون پژوهش، متغیرهایی برای کنترل سایر عوامل مرتبط با کیفیت سود در نظر گرفته شده است. با پیروی از مطالعات پیشین مانیر و همکاران (۲۰۱۳)، راسمین (۲۰۰۶) متغیرهای زیر به‌عنوان متغیر کنترل معرفی می‌شوند:

تخصص مالی اعضاء هیات مدیره (FinSpeBoard): براساس پژوهش آقایی و همکاران (۱۳۹۲) تخصص مالی اعضاء هیات مدیره به‌عنوان متغیر کنترلی بر ارائه مجدد صورت‌های مالی ناشی از اظهارنظر حسابرس مستقل رابطه معناداری دارد. در صورت وجود تخصص مالی هیات مدیره عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود.

جریان‌های نقد عملیاتی (CFO): گوردن و هنری<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) همانند آهارونی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، جریان‌های نقد عملیاتی را به منزله شاخص عایدات منفی برای کنترل سایر ویژگی‌های درآمد‌ها و اقلام تعهدی به کار بردند. دجو (۱۹۹۴) و کازنیک<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) همبستگی منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی را

1- Gordon and Henry

2- Aharoni et al

3- Kaznik

مطرح نمودند. بنابراین، از متغیرکنترلی جریان‌های نقد عملیاتی، برای کنترل همبستگی بین کیفیت سود و جریان‌های نقد عملیاتی استفاده می‌شود.

اهرم مالی (LEV): دفاوند و همکاران (۱۹۹۴) در پژوهش خود دریافتند که بین اهرم مالی و کیفیت سود، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، نسبت اهرمی هم شاخص دیگری است که به متغیرکنترلی اضافه می‌شود.

بازده دارایی‌ها (ROA): در مطالعات پیشین دچو و همکاران (۱۹۹۵)، فرانکل و همکاران (۲۰۰۲)، بیان شده است که تغییر در کیفیت ارقام تعهدی به عملکرد مالی شرکت نیز بستگی دارد. بنابراین؛ در این پژوهش بازده دارایی‌ها نیز یکی از متغیرهای کنترلی معرفی می‌شود. بازده دارایی‌ها از نسبت سود قبل از بهره و مالیات بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

اندازه شرکت (SIZE): این متغیر در پژوهش‌های پیشین مانیر و همکاران (۲۰۱۳) برای کنترل فرصت‌های رشد شرکت استفاده شده است، یکی دیگر از شاخص‌های متغیرکنترل است. گوردن و هنری (۲۰۰۵) پیشنهاد دادند که اندازه شرکت، به منزله متغیرکنترل استفاده شود، زیرا اندازه شرکت با کیفیت سود همبستگی منفی دارد. اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

جداول (۱) و (۲) آماره‌های توصیفی داده‌های کمی و کیفی مرتبط با متغیرهای مطالعه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

متغیر	$\Delta AQ_i$	LEQ	RPT	CFO	LEV	ROA	SIZE
تعداد	۵۰۴	۵۰۴	۵۰۴	۵۰۴	۵۰۴	۵۰۴	۵۰۴
میانگین	-۰/۰۰۷	۸۸/۷۷۲	۴/۱۹۵	۱۰/۹۱۷	۰/۶۲۷	۰/۱۲۶	۵/۹۱۰
انحراف معیار	۰/۱۴۸	۳۷۱/۳۶	۰/۸۶۱	۰/۶۸۴	۰/۱۵۵	۰/۱۲۸	۰/۴۸۹
حد بالا	۰/۹۷۱	۴۷۶/۲۹	۵/۸۹۲	۱۳/۰۳۳	۰/۹۴۴	۰/۶۲۸	۷/۸۶۸
حد پایین	-۰/۴۰۹	-۳۷۴/۰۲۷	۳/۴۳۳	۸/۴۱۱	۰/۰۱۸	-۰/۱۴۱	۴/۸۶۰

اختلاف بین بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین داده و مقایسه آن با میانگین متغیرها، نشان می‌دهد توزیع داده‌ها منطقی است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیف‌کننده متغیرهای اسمی پژوهش

شاخص	کد	تعداد فراوانی	درصد فراوانی
خانوادگی یا غیرخانوادگی بودن مالکیت	۱	۱۲۸	۰/۲۵۵
	۰	۳۷۶	۰/۷۴۵
تخصص مالی اعضای هیات مدیره	۱	۳۵۳	۰/۷۰۳
	۰	۱۵۱	۰/۲۹۷

### آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

در این پژوهش برای آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته، از آماره جارک- برا استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول ۳، گویای آن است که اعتبار آزمون برای متغیرهای وابسته؛ بیشتر از ۵ درصد بوده و دارای توزیع نرمال می‌باشند.

جدول ۳. نتایج آزمون جارک- برا

متغیرهای پژوهش	آماره آزمون	اعتبار آزمون
تغییر در ارقام تعهدی	۱۴۷/۱۹	۰/۰۶۰
معیار نقدشوندگی کیفیت سود	۱۰۳/۵	۰/۰۵۲

### آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

به منظور اطمینان از ساختگی نبودن مدل و نتایج نامطمئن؛ ابتدا ایستایی متغیر وابسته با استفاده از آزمون ریشه واحد هاردی تعمیم یافته در داده‌های سطح استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴. نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	آماره آزمون	P-Value
تغییر در ارقام تعهدی	۷/۴۷۴	۰/۰۰۰
معیار نقدشوندگی کیفیت سود	۷/۰۳۶	۰/۰۰۰
خانوادگی یا غیرخانوادگی بودن مالکیت	۷/۰۳۰	۰/۰۰۰
سطح معاملات با اشخاص وابسته	۹/۸۳۴	۰/۰۰۰
تخصص مالی اعضای هیات مدیره	-۴/۳۰۸	۰/۰۰۰
جریان‌های نقد عملیاتی	-۳/۶۰۵	۰/۰۱۴
اهرم مالی	۶/۵۲۶	۰/۰۰۰

بازده دارایی‌ها	-۷/۳۲۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۴۸/۷۳۱	۰/۰۰۰

همانطوری که در جدول ۴ مشاهده می‌شود؛ فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در داده‌ها در سطح معناداری ۱٪ رد شده است. بنابراین؛ نتایج در سطح اطمینان ۹۹٪ نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش برای داده‌ها در سطح پایا بوده و ریشه واحدی ندارد.

### آزمون‌های انتخاب نوع مدل پژوهش

در این پژوهش، برای انتخاب مدل تحلیل داده‌ها و استفاده از داده‌های ترکیبی یا تلفیقی، آزمون F لیمر اجرا شده است. پس از تأیید پایایی متغیرهای پژوهش در مراحل قبل، اقدام به انتخاب نوع مدل از طریق آزمون F لیمر می‌نماییم.

جدول ۵. نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون F لیمر			فرضیه
نتیجه	P-VALUE	آماره	نتیجه	P-VALUE	آماره	
REM	۰/۱۲۸	۱۰/۰۸۵	Panel	۰/۰۱۱	۱/۶۱۵	۱-۱
REM	۰/۲۴۶	۷/۸۸۸	Panel	۰/۰۰۰	۲/۰۶۱	۲-۱
FEM	۰/۰۴۵	۱۴/۳۵۲	Panel	۰/۰۱۰	۱/۶۲۱	۱-۲
REM	۰/۱۷۱	۱۰/۳۲۲	Panel	۰/۰۰۲	۱/۹۲۴	۲-۲

### نتایج آزمون فرضیه‌ها

این پژوهش شامل دو اصلی می‌باشد که به صورت زیر آزمون می‌شوند:

**فرضیه اصلی اول:** مالکیت خانوادگی با کیفیت سود رابطه دارد.

این فرضیه با استفاده از دو فرضیه فرعی منبعث از آن برآورد می‌شود و در صورتی که ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار باشد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه فرعی اول منبعث از فرضیه اصلی اول: مالکیت خانوادگی با معیار خطای برآورد اقلام تعهدی رابطه

دارد.



جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	-۰/۴۲۴	۱/۸۴۳	۰/۰۶۶
مالکیت خانوادگی	-۰/۰۰۲	-۰/۱۲۲	۰/۹۰۲
تخصص مالی هیات مدیره	-۰/۰۰۹	-۰/۶۲۰	۰/۵۳۵
جریان‌های نقد عملیاتی	۰/۰۲۰	۱/۱۹۴	۰/۲۳۳
اهرم مالی	-۰/۱۰۴	-۱/۶۳۷	۰/۰۹۱
بازده دارایی‌ها	-۰/۱۳۷	-۱/۸۷۴	۰/۰۶۶
اندازه شرکت	۰/۰۵۰	۲/۱۲۶	۰/۰۳۴
دوربین-واتسون	ضریب تعیین	آماره مدل	اعتبار مدل
۲/۰۳۷	۰/۲۸۰	۲/۵۱۹	۰/۰۱۹

در بررسی معنی‌دار بودن مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰،۰۱۹)، با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کل مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تغییر در اقلام تعهدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه به نتایج جدول ۷ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل مالکیت خانوادگی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰،۹۰۲)، وجود رابطه معنی‌دار این متغیر با متغیر وابسته تغییر در اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه فرعی اول مبنی بر رابطه مالکیت خانوادگی با معیار تغییر در اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. بنابراین با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه فرعی اول پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که مالکیت خانوادگی با کیفیت سود رابطه معنی‌داری ندارد. همچنین؛ رابطه معنی‌دار متغیرهای اهرم مالی (با سطح خطای ۱۰٪)، اندازه شرکت (با سطح خطای ۵٪) و بازده دارایی‌ها (با سطح خطای ۱۰٪) با متغیر وابسته تغییر در اقلام تعهدی مشاهده گردید.

**فرضیه فرعی دوم منبعت از فرضیه اصلی اول: مالکیت خانوادگی با معیار نقدشوندگی رابطه دارد.**

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	-۱۱۳۱	-۳/۵۳۴	۰/۰۰۰
مالکیت خانوادگی	-۴/۸۷۱	-۰/۱۸۰	۰/۸۵۶
تخصص مالی هیات مدیره	-۱۳/۱۹۰	-۰/۵۸۰	۰/۵۶۲
جریان‌های نقد عملیاتی	۱۲۳/۹۵	۴/۳۴۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۳۷/۰۳۰	۰/۳۴۵	۰/۷۳۰
بازده دارایی‌ها	-۵۷/۷۹۹	-۰/۳۶۷	۰/۷۱۳
اندازه شرکت	-۳۱/۹۴۵	-۰/۹۹۶	۰/۳۲۰
دوربین- واتسون	ضریب تعیین	آماره مدل	اعتبار مدل
۲/۲۱۱	۰/۱۲۰	۴/۳۰۶	۰/۰۰۰

در بررسی معنی‌دار بودن مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۱٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰,۰۰۰)، با اطمینان ۹۹٪ معنی‌دار بودن کل مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته شاخص نقدشوندگی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه به نتایج جدول ۷، از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل مالکیت خانوادگی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰,۸۵۶)، وجود رابطه معنی‌دار این متغیر با متغیر وابسته نقدشوندگی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه فرعی دوم مبنی بر رابطه مالکیت خانوادگی با معیار نقدشوندگی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. بنابراین با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه فرعی دوم پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که مالکیت خانوادگی با کیفیت سود رابطه معنی‌داری ندارد. همچنین؛ رابطه معنی‌دار متغیر کنترلی جریان‌های نقد عملیاتی (با سطح خطای ۱٪) با متغیر وابسته نقدشوندگی مشاهده گردید.

**فرضیه اصلی دوم:** معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود تأثیر دارد. این فرضیه با استفاده از دو فرضیه فرعی منبث از آن برآورد می‌شود و در صورتی که ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار باشد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه فرعی اول منبعث از فرضیه اصلی دوم: معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار خطای برآورد ارقام تعهدی تأثیر دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	-۰/۴۴۴	-۱/۹۱۱	۰/۰۵۷
مالکیت خانوادگی	-۰/۰۰۱	-۰/۰۸۵	۰/۹۳۲
معاملات با اشخاص وابسته	-۰/۰۰۷	-۱/۰۱۹	۰/۳۰۹
Fam×Rep	۰/۰۰۳	۰/۶۷۹	۰/۴۹۷
تخصص مالی هیات مدیره	-۰/۰۰۹	-۰/۶۷۳	۰/۵۰۱
جریان‌های نقد عملیاتی	۰/۰۲۰	۱/۲۰۷	۰/۲۲۹
اهرم مالی	-۰/۱۰۲	-۱/۶۶۹	۰/۰۹۶
بازده دارایی‌ها	-۰/۱۳۴	-۱/۷۹۶	۰/۰۷۳
اندازه شرکت	-۰/۱۳۳	۲/۱۹۴	۰/۰۲۹
دوربین - واتسون	ضریب تعیین	آماره مدل	اعتبار مدل
۲/۰۴۹۲۱۱	۰/۰۹۳	۱/۴۹۶	۰/۰۲۲

در بررسی معنی دار بودن مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰,۰۲۲)، با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته تغییر در ارقام تعهدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی معنی - داری ضرایب با توجه به نتایج جدول ۸ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل مالکیت خانوادگی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰,۹۳۲) و همچنین با توجه به اینکه ضریب متغیر تعدیلی (مالکیت خانوادگی \* معاملات با اشخاص وابسته) نیز بزرگتر از ۵٪ می‌باشد؛ لذا وجود تأثیر معنی دار معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار خطای برآورد ارقام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه فرعی اول مبنی بر معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار خطای برآورد ارقام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. بنابراین با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه فرعی اول پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود تأثیر معنی داری ندارد. همچنین؛ رابطه معنی دار متغیرهای کنترلی اهرم مالی و

بازده دارایی‌ها (با سطح خطای ۱۰٪) و اندازه شرکت (با سطح خطای ۵٪) با متغیر وابسته خطای برآورد اقلام تعهدی مشاهده گردید.

**فرضیه فرعی دوم منبعت از فرضیه اصلی دوم:** معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار نقدشوندگی تأثیر دارد.

جدول ۹. نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	-۱۰۳۸	-۳/۱۶۴	۰/۰۰۱
مالکیت خانوادگی	-۳/۴۷۵	-۰/۱۲۹	۰/۸۹۷
معاملات با اشخاص وابسته	-۳/۵۷۶	-۱/۷۶۶	۰/۰۸۷
Fam×Rep	۱۰/۲۳۱	۱/۹۵۹	۰/۰۵۱
تخصص مالی هیات مدیره	-۱۰/۶۳۷	-۰/۴۵۸	۰/۶۴۷
جریان‌های نقد عملیاتی	۱۲۱/۲۳۳	۴/۳۳۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۲۳/۲۳۸	۰/۲۲۰	۰/۸۲۶
بازده دارایی‌ها	-۱۰۰/۶۴	-۰/۶۱۲	۰/۵۴۱
اندازه شرکت	-۳۸/۱۹۷	-۱/۱۳۸	۰/۲۵۶
دوربین- واتسون	ضریب تعیین	آماره مدل	اعتبار مدل
۱/۸۲۴	۰/۱۲۹	۳/۹۸۹	۰/۰۰۰

در بررسی معنی‌دار بودن مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۱٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰,۰۰۰)، با اطمینان ۹۹٪ معنی‌دار بودن کل مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته معیار نقدشوندگی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه به نتایج جدول ۹ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل مالکیت خانوادگی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰,۸۹۷) و همچنین با توجه به اینکه ضریب متغیر تعدیلی (مالکیت خانوادگی × معاملات با اشخاص وابسته) نیز کوچکتر از ۱۰٪ می‌باشد؛ لذا وجود تأثیر معنی‌دار معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار نقدشوندگی در سطح اطمینان ۹۰٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه فرعی دوم مبنی بر معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار نقدشوندگی در سطح اطمینان ۹۰٪ تأیید می‌شود. بنابراین با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه فرعی دوم

پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و معیار دوم کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد. همچنین؛ رابطه معنی‌دار متغیر جریان‌های نقد عملیاتی با سطح خطای (۱٪) با متغیر وابسته معیار نقدشوندگی مشاهده گردید.

### نتیجه‌گیری و بحث

به‌طور کلی هرچند نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش که سبب کشف تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تعامل بین مالکیت خانوادگی و کیفیت سود نشد و مغایر با چارچوب نظری پژوهش می‌باشد؛ با این حال به اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت خانوادگی داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند. به سهامداران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود با اتکای به مبانی نظری پژوهش، نسبت به میزان کیفیت سود و شفافیت اطلاعات مربوط به سود گزارش شده بی‌تفاوت نباشند. زیرا معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت خانوادگی می‌تواند کیفیت سود گزارش شده را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود اقدامات مربوط به رعایت مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار مربوط به چک‌لیست رعایت الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته اقدام نمایند تا ضمن هموارسازی منافع مدیران با سهامداران به افزایش کیفیت سود و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی منجر شود.

### منابع و ماخذ

- ۱) آقای. محمدعلی، زلّقی. حسن، اعتمادی. حسین، رستمی. علی‌اصغر، (۱۳۹۲)، تأثیر تجدید ارائه صورت-های مالی بر کیفیت ارقام تعهدی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۱۹-۱۴۷.
- ۲) امیدوار. علیرضا، رستگار. حسین، عقدایی. مونا، (۱۳۸۹)، حاکمیت شرکتی در شرکت‌های خانوادگی پاکستان، مرکز ترویج حاکمیت شرکتی، آبان ۱۳۸۹.
- ۳) بولو. قاسم، حساس‌یگانه. یحیی، مومنی. سهیل، (۱۳۹۱)، تأثیر ارائه صورت‌های مالی بر مدیریت سود و پایداری سود، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۷۳-۹۶.
- ۴) حقیقت. حمید، پناهی. مهدی، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه کیفیت سود و بازده آینده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، ۳۱-۵۰.

- ۵) ظریف‌فرد، الف، (۱۳۷۸)، شناسایی و تحلیل عوامل مرتبط با ارزیابی کیفیت سود بنگاه‌های اقتصادی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۸ تا ۱۰۲.
- ۶) محمدی، محمد، (۱۳۸۸)، بررسی کیفیت سود شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۷) مرادزاده، مهدی، ناظمی اردکانی، مهدی، غلامی، رضا، فرزانی، حجت‌اله، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۶، صص ۸۵-۹۸.
- ۸) مرشدزاده، مهناز، قربانی، محمود، شعبانی، کیوان، (۱۳۹۳)، پایداری سود، شرایط اقتصادی و ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۸۵-۱۰۲.
- ۹) مشایخ، ش. اسماعیلی، مریم، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبردی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵، صص ۲۵-۴۴.
- ۱۰) مهرآذین، علیرضا، (۱۳۸۶)، ارزیابی مدل‌های کشف مدیریت سود، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۱) نمازی، محمد، کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳، صص ۱۰۰-۸۳.
- ۱۲) نیکومرام، هاشم، محمدزاده سالطه، حیدر، (۱۳۸۹)، ارائه الگویی برای تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ۴، صص ۵۹-۸۰.
- ۱۳) یوسفی، رضوانه، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر ارائه مجدد صورت‌های مالی بر راهبردهای گزارشگری مالی شرکت‌ها، پایان‌نامه دانشکده حسابداری و مدیریت موسسه آموزش عالی کار.
- 14) Abdolmohammadi, M. kvall, E. (2010). Earnings Management Priorities of Private Family Firms. American Accounting Association Annual Meeting, 31 July 2010, San Francisco, CA.
- 15) Anderson, R.C. Reeb, D. (2003). Founding family ownership and firm performance: Evidence from S&P500. Journal of Finance, 58:1301-1328 .

- 16) Biddle, G., G. Hillary, and R. Verdi, (2009), "How does financial reporting quality improve investment efficiency"?, *Journal of Accounting and Economics* 48, P:112-138
- 17) Dax Plus Family Index's. (2010). *Deutsche Bourse Issuer Data & Analytics*, 13 January 2010, p 8.
- 18) Dechow, P. Dichev, D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings; the Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77: 35-59.
- 19) Dechow, P. Sloan, R. , Sweeney ,A. (1996). Cause and consequences of Earnings Manipulation: An Analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC. *Contemporary Accounting Research*, 13: 1-36.
- 20) Dechow, P., & Dichev, I. (2002). "The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors". *The Accounting Review*, 77, 35–59.
- 21) Dechow, P., W. Ge, and C. Schrand. (2009), "Understanding earnings quality: A review of the proxies", their determinants and their consequences. Paper presented at the *Journal of Accounting and Economics conference*.
- 22) Ehrhardt, O. Nowak, E. (2003). The Effect of IPOs on German Family- owned Firms: Governance Changes, Ownership Structure and Performance. *Journal of Small Business Management*, 41:222-232.
- 23) Epstein, L.G. and Schneider, M. (2008) "Ambiguity, information quality, and asset-pricing". *Journal of Finance* 63 (1), 197-228.
- 24) Gary Miller , S. Joon and Young .Kim ,(2008), "Is Earnings Management Opportunistic or Beneficial? An Agency Theory Perspective " *International Review of Financial Analysis*, 2008, Vol 17, P:622-634.
- 25) Hendriksen, E. Van Brada, M. (1991). *Accounting Theory*, 5th Edition, New York:IRWIN.
- 26) Herly, M, Bartholdy. J, Thinggaard. F, " Earnings Quality in Restating Firms: Empirical Evidence", Aarhus University, Department of Economics and Business, Fuglesangs Alle 4, 8210 Aarhus.
- 27) Liu, M. and Wysocki, P. (2007) "Cross-sectional determinants of information quality proxies and cost of capital measures". Working paper, Pennsylvania State University.
- 28) McNichols, M.( 1989). "Evidence of Informational Asymmetries from Management Earning Forecasts and Stock Returns". *The Accounting Review* 64 (January), P: 1-27.
- 29) Mikko Westerholm(2011), , " On the pricing effect of earning quality, Department of Accounting" ,Accounting Masters thesis, Alto Univercity, School of Economics.
- 30) Mikko Westerholm(2011), , " On the pricing effect of earning quality, Department of Accounting" ,Accounting Masters thesis, Alto Univercity, School of Economics.

- 31) Mishra, C. Randqy, T. J Jensen, J. (2001). The Effect of Founding Family Influence on Firm Value and Corporate Governance. *Journal of International Financial Management and Accounting* , 12:235-259.
- 32) Momen. M, Safari. M, (2014), The Relationship between Corporate Governance and Financial Restatements in Listed Companies, *MARTINIA*, VOL.5 NO.2 Page:114-122.
- 33) Munir. S, Saleh. N, Jaffari. R, Yatim. P, "Family Ownership, Related- Party Transaction and Earning Quality" , *Asina Academi of Managment Journal of Accounting and Finance*, AAMJAF Vol. 9, No. 1, 129–153.
- 34) Pyo. G, Lee. H, (2013)," The Association Between Corporate Social Responsibility Activities And Earnings Quality: Evidence From Donations
- 35) Schipper, K. Vincent, L. 2003. Earning Quality. *Accounting Horizons*, 17:97-110.
- 36) Villalonga, B. Amit, R. (2006). How do family ownership, control and management affect firm value? *Journal of Financial Economics*, 80: 385-417.
- 37) Wang, D. 2006. Founding Family Ownership and Earning Quality. *Journal of Accounting Research*, 44:619-656.
- 38) Watts, R. Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- 39) Wilson, W.M(2008) , "An empirical Analysis of the Decline in the information content of earning following Restatements", *the Accounting Review*.